

بخشی از بیانیه رفاه عالم انسانی

این بیانیه به درخواست بیت العدل اعظم در سال ۱۹۹۵ تهیه شده است و در پرتو تعالیم بهائی به مفهوم رفاه جهانی می‌پردازد. در این قسمت، بخش‌هایی از این متن در ارتباط با اصل یگانگی آورده شده است.

رفاه عالم انسانی

ترجمه‌ای از بیانیه دفتر اطلاعات عمومی جامعه جهانی بهائی

شالوده یک استراتژی که بتواند مردم جهان را به قبول مسئولیت سرنوشت جمعی خود وادارد باید آگاهی از یکی بودن نوع انسان باشد. اگرچه این مفهوم که بشریت متشکل از یک قوم است در گفتارهای عمومی به نحو فریبده‌ای ساده به نظر می‌رسد ولی برای روشی که اکثر مؤسسات اجتماع معاصر در اداره امور خود به کار می‌برند چالش‌هایی بنیادین عرضه می‌کند. چه در ساختار جدل‌گرای حکومت‌های مدنی (adversarial structure of civil government)، چه در اصل مدافعه (advocacy principle) که اساس قسمت اعظم قوانین مدنی است، چه در تجلیل از مبارزه بین طبقات و دیگر گروه‌های اجتماعی و چه در روحیه رقابت حاکم بر بخش مهمی از زندگی امروزی، در تمام این موارد تضاد و رویارویی به عنوان محرک اصلی تعاملات بشری پذیرفته شده است. پذیرش این وضع خود جلوه دیگری از تعبیر مادی‌گرایانه زندگی در ساختار اجتماعی را نمایان می‌کند، تعبیری که طی دو قرن گذشته به نحو فزاینده‌ای استحکام یافته است.

حضرت بهاءالله بیش از یک قرن پیش در مکتوبی خطاب به ملکه ویکتوریا و با استفاده از مثالی که تنها الگویی است که وعده قانع‌کننده‌ای برای سازمان‌دهی یک اجتماع جهان‌شمول را ارائه می‌دهد، جامعه بشری را به هیکل انسان تشبیه فرمودند. در واقع الگوی منطقی دیگری که بتوانیم به آن توجه کنیم در عالم هستی وجود ندارد. جامعه بشری صرفاً مرگب از توده‌ای از سلول‌های متفاوت نیست بلکه متشکل از همبستگی‌ها و روابط افرادی است که هر یک از آنها دارای عقل و اراده می‌باشد. با وجود این، شیوه‌های عمل گوناگونی که طبیعت بیولوژیکی انسان را مشخص می‌کند نمودار اصول اساسی حاکم بر عالم هستی است. مهم‌ترین آنها اصل وحدت در کثرت است. شگفت‌انگیز آنکه دقیقاً همین تمامیت و پیچیدگی نظم تشکیل‌دهنده بدن انسان و همبستگی کامل سلول‌ها است که تحقق کامل توانمندی ذاتی هر یک از این عناصر متشکله را ممکن می‌سازد. هیچ سلولی، چه در مورد کمک به کار بدن و چه در مورد بهره‌گیری از سلامت کلی آن، جدا از بدن زندگی نمی‌کند. سلامت جسمانی حاصله از این همبستگی، امکان ظهور و بروز حس آگاهی بشری را فراهم می‌سازد، بدین معنی که هدف از رشد بیولوژیکی از صرف موجودیت بدن و اجزای آن بالاتر می‌رود.

آنچه در حیات فردی انسان صادق است قراین آن را می‌توان در اجتماع بشری یافت. نوع بشر یک تمامیت ارگانیک و در پیشرفته‌ترین مرحله فرایند تکامل است. اینکه آگاهی انسان الزاماً از طریق اذهان و انگیزه‌های فردی بی‌نهایت

متنوع عمل می‌کند به هیچ وجه با وحدت بنیادی نوع انسان مغایرتی ندارد. در حقیقت همین تنوع ذاتی است که یگانگی را از یکنواختی متمایز می‌سازد. حضرت بهاءالله می‌فرماید آنچه را که امروز مردم جهان با آن مواجهند، رسیدن به مرحله بلوغ جمعی آنهاست و از طریق این بلوغ در حال تکوین نوع انسان است که اصل وحدت در کثرت به طور کامل مصداق خواهد یافت. فرایند سازمان‌یابی اجتماع از دیربازترین سرآغازش به صورت استحکام حیات خانواده، متوالیاً از تشگلات ساده قومی و قبیله‌ای تا انواع بی‌شمار اجتماعات شهری و سرانجام تا پیدایش حکومت ملی گذر کرده و هر یک از این مراحل فرصت‌های جدید و ارزشمندی برای به کار بردن توانمندی انسانی پیش آورده است.

واضح است که ترقی نوع بشر به قیمت فردیت انسان صورت نگرفته است. هر چقدر سازمان‌یابی اجتماعی بیشتر شده، دامنه بروز توانمندی‌های نهفته در نهاد هر یک از افراد بشر نیز به همان نسبت وسعت یافته است. از آنجا که رابطه بین فرد و اجتماع یک رابطه متقابل است، تحولات مورد نیاز کنونی نیز باید در آگاهی انسان و در ساختار نهادهای اجتماعی هم‌زمان و هم‌گام صورت گیرد. براساسی با بهره‌برداری از فرصت‌های به دست آمده از این فرایند دوگانه تغییر است که یک استراتژی توسعه جهانی به منظور خود خواهد رسید. در این مرحله حساس و سرنوشت‌ساز از تاریخ، آن منظور باید استقرار شالوده‌هایی پایدار و بادوام باشد که بر آن اساس تمدنی جهان‌شمول بتواند به تدریج تشکل یابد.

پیریزی یک تمدن جهانی نیازمند وضع قوانین و ایجاد نهادهایی است که هم از نظر ماهیت و هم از نظر دامنه اختیارات، جهانی باشند. تلاش در این راستا تنها زمانی می‌تواند آغاز شود که مقامات مسئول تصمیم‌گیری، مفهوم وحدت عالم انسانی را از صمیم قلب پذیرفته باشند و اصول مربوط به این وحدت از طریق نظام‌های آموزشی و وسایل ارتباط جمعی گسترش داده شود. پس از طی این مرحله، فرایندی به حرکت خواهد افتاد که از طریق آن ملت‌های جهان خواهند توانست به کار تدوین اهداف مشترک جلب شوند و هم خود را وقف رسیدن به آن اهداف نمایند. تنها یک چنین چرخش فکری بنیادینی می‌تواند ملت‌ها را از بلای دیرینه اختلافات قومی و مذهبی نیز خلاصی بخشد. فقط از طریق طلوع این آگاهی که ساکنان کره زمین همگی یک قوم واحد را تشکیل می‌دهند، بشر خواهد توانست از الگوهای تضاد و اختلاف که در گذشته بر سازمان‌دهی اجتماعی حکم‌فرما بوده است روی برتافته به شیوه‌های همکاری و توافق روی آورد. به فرموده حضرت بهاءالله: «...مقصود اصلاح عالم و راحت اُمم بوده. این اصلاح و راحت ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق.»